

# ون گوگ

کاشف زیبایی‌های نهفته

## vincent van gogh



در عرفان ما گروهی خاص از عرفا را عقلای مجانبین، می‌نامیدند. اینان ظرفیت بسیار در حضوری جذاب و زاینده داشتند آن‌هم در جامعه‌ای که بیشترشان اسیر عادت و تکرار بودند. شاید بتوان ون گوگ را هم از همین عقلای مجانبین برداشت او بود که نشان داد میان خالق اثر هنری جاودان با دیوانگی باندازه موئی فاصله است. آن‌که نو می‌شود و نو می‌بیند از نظر سنت پرستان دیوانه محسوب می‌شود. افتتاح موزه ون گوگ در آمستردام و عرضه شاه‌کارهای بی‌نظیر این نقاش قرن نوزده همه اروپا ما را بر آن داشت تا چند سطری در این باب بنویسیم.

ون گوگ از رنگ‌های تیره شروع کرد اما در فرجام زندگی‌اش بود که توانست به راز استفاده از رنگ‌های زنده و شاداب پی برد. به‌ویژه در سال ۱۸۸۶ او آثاری خلق کرد که آکنده از رنگ‌های زرد و نارنجی و آبی بودند. امروزه همین آثار دیوارهای موزه را مزین ساخته‌اند. هر چه بیش‌تر به این سو و آن سوی نمایشگاه رفته و خود را در مقابل آثار این نقاش قرار می‌دهید. بیشتر با طپش‌های زنده و شورآفرینی‌های مدام به این نقاش آشنا می‌شوید. سال‌های زندگی او را در لابه‌لای پرتره‌ها، درختان و آسیاب‌های بادی بیش‌تر لمس می‌کنید. بیننده با نگاه به هر ضربه از قلم‌موی او به درون دنیای کشف و شهود این عارف هلندی می‌رود.

ون گوگ در مدت کوتاه زندگی‌هنری‌اش، یعنی تا پیش از جدال خونین‌اش با این زندگی، در سال ۱۸۹۰، شاه‌کارهایی با رنگ‌ها و خطوطی خاص آفرید که الهام بخش بسیاری از نقاشان پس از او شد. او توانایی آن را داشت که زیبایی را از درون هر پدیداری بیرون کشد که در در نگاه اول بسیار عادی و ساده به نظر می‌رسیدند. پدیدارهایی آن‌قدر معمولی که حتی به چشم نیز نمی‌آمدند. ون گوگ نشان داد؛ این مائیم که زیبایی را خلق می‌کنیم. هیچ امری زیبا یا زشت نیست. مائیم که آن را زیبا می‌بینیم. تنها ون گوگ بود که توانست زیبایی نهفته در درون اشیا را برای ما کشف کند.